

مصاحبه با یک معامله‌گر موفق ایرانی در بورس کالای شیکاگو

در دفترکار او، نخستین چیزی که به چشم می‌آید، یک تابلو با این شعر از حافظ است:

در این دنیا اگر سودی ست با درویش خرسند است / خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی.

امیر ناصر حجتی، جوان موفق است که به عنوان یک معامله‌گر موفق ایرانی در بورس کالای شیکاگو نتایج چشمگیری داشته و در مدت دو سال، یک حساب معاملاتی خود را پانزده برابر کرده. او نتایج کاری خود را مدیون شناخت روانشناسی بازار و تجارب حاصل از شکست‌های متوالی در گذشته می‌داند. در این زمینه و با موضوع موفقیت در بازار سرمایه، گفت‌وگویی با او درباره روش معامله در بورس و امکان‌پذیری شناخت ریسک‌ها و سودها داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

*معامله در بورس را چگونه توصیف می‌کنید؟ آیا کار سختی است؟*

اگر روزی ۱۸ ساعت کار، استرس و بی‌خوابی را تحمل و بسیاری از تفریحات معمول زندگی را کنار بگذارید، می‌فهمید که رسیدن به سود در بازار بورس طعم تلخی دارد. برخلاف تصور عموم مردم، اینجا برای کسی فرش قرمز پهن نکرده‌اند و باید تلاش زیادی برای گرفتن نتیجه داشت. دلیل موفق بودن خود را در بازار در چه می‌دانید؟ برای موفقیت در بورس باید چگونه کار کرد؟

در بازارهای مالی بدون آنکه به طور علنی گفته شود، بیش از ۹۰ درصد از معامله‌گران کل سرمایه خود را در همان ابتدا از دست می‌دهند. این بازارها نسبت به کسانی که توهم دانستن آن را دارند، بسیار بی‌رحم عمل می‌کنند. داشتن انضباط سخت در کار و مدیریت ریسک می‌تواند به موفقیت فرد کمک کند. من این ایده اشتباه که باید همه تحلیل‌هایم درست باشد را در خودم از بین برده‌ام.

به نظر من موفق‌ترین معامله‌گران حداکثر ۳۰ درصد از پیش‌بینی‌هایشان درست است و در هفتاد درصد باقیمانده که اشتباه پیش‌بینی می‌کنند کمترین میزان ضرر را متحمل می‌شوند. عموم مردم و حتی حرفه‌ای‌های بازار، توانایی ذهنی پذیرفتن این مساله را ندارند. آنها به دنبال یک فرمول جادویی برای کسب بی‌وقفه پول هستند طبیعتاً این تفکر جز شکست نتیجه‌ی برایشان ندارد.

پس توانایی ذهنی و کنترل احساسات در تحلیل بازار خیلی مهم است؟

دقیقا؛ در بازار هر چه بیشتر نظرات خود را مردود بدانید، موفق تر هستید. یعنی هر چیزی که حس خوبی به تحلیلگر داد، اشتباه است و بر عکس. توانایی کنترل احساسات و داشتن صبر، داشتن یک استراتژی دارای بازده بیشتر از ریسک و همچنین تحمل شکست‌های پشت سر هم اما کوچک، قابلیت‌هایی هستند که رسیدن به آنها زمان زیادی می‌برد. اگر غیر از این بود همه در این بازارها موفق بودند. اقتصاددان‌ها نوسانات بازارهای مالی را تصادفی می‌دانند؛ چطور می‌توان با مفروض دانستن چنین نظراتی از بازار کسب سود کرد؟ از حرف تا عمل فاصله زیادی هست. دلیل آنکه افراد آکادمیک در دانشگاه تدریس می‌کنند و توانایی کسب سود مداوم از بازارهای مالی را ندارند، اعتقاد به این باورهای تنوریک است. بازارها بر پایه رفتارهای جمعی انسان‌ها ساخته شده و چون رفتار انسان‌ها تصادفی نیست، بازارها هیچ‌وقت تصادفی نبوده و نخواهند بود. الگوهایی وجود دارد که در بازارها مرتب تکرار می‌شود و کسانی هستند که به طور مداوم از طریق شناخت این الگوهای تکرارشونده کسب سود می‌کنند؛ این امر ناقض تنوری بازار کارا و تصادفی بودن است.

روش تحلیل شما در بازار چگونه است؟

من بر اساس تغییرات پدید آمده روی حجم معاملات، بازار را تحلیل می‌کنم. در هر معامله فقط یک درصد از کل دارایی را ریسک کرده و هیچ‌وقت، هدف قیمتی در معاملات تعیین نمی‌کنم بلکه صبر می‌کنم تا با واکنش بازار، نقطه خروج را به دست بیاورم. در کل، مدیریت ریسک، شناختن روانشناسی بازار و داشتن معاملات با ریسک کم و بازده بالا، مهم‌تر از نوع استراتژی معاملاتی است.

فعالیت در بورس در زندگی شما چه تاثیری داشته است؟

صبر، تسلط بر احساسات و ناامید نشدن مهم‌ترین چیزی است که در این سال‌ها یاد گرفته‌ام. با وجود این باور عمومی که خوشبختی را تنها در انباشت پول می‌دانند، یک زندگی خیلی عادی دارم و و دلیلی هم بر تغییر آن نمی‌بینم. تنها امیدوارم بعد از رفع مشکلات انتقال و با کمک دوستان، بتوانیم مرکزی را برای حمایت از کودکان سرطانی تهیه کنیم.

چگونه می‌توان یک سرمایه را از طریق درست به مقادیر بیشتری تبدیل کرد؟

اگر روشی داشته باشید که مثلاً بتوانید هفته ای ۳ درصد سود کنید و به اصل و سود سرمایه هم دست نزنید و دوباره سود آن را هم به کارگیرید، با استفاده از سود مرکب، می‌توان به مبالغ بزرگتری رسید. در این میان باید این نکته را هم در نظر داشت که همه هفته‌ها سود ثابتی ندارند و حتی در بعضی هفته‌ها ضرر هم حاصل می‌شود. منتها برآیند سودها باید همیشه بیشتر از برآیند ضررها باشد.

توصیه شما به کسانی که به دنبال یک استراتژی معاملاتی هستند، چیست؟

روش و استراتژی معاملاتی هر کس باید با کاراکتر شخصیتی او مطابقت و همخوانی داشته باشد. مثلاً اگر کسی از روش‌های تعقیب روند استفاده می‌کند، باید آمادگی ذهنی این مساله را نیز داشته باشد که از قسمت عمده سودهای خود دست بکشد و صبر را یاد بگیرد؛ هم صبر برای دیدن موقعیت‌های جدید و هم صبر برای نگه داشتن موقعیت‌هایی که در سود هستند. معامله‌گران مبتدی با گرفتن ضررهای بزرگ ورشکسته می‌شوند و معامله‌گران حرفه‌یی با صرف نظر از سودها و ضررهای جزئی، موفق هستند. به نظر من باید به جای بالا بردن تعداد پیش‌بینی‌های درست، از روشی استفاده کنید که بتوانید میزان سود حاصله از هر معامله را افزایش دهید و دوم اینکه به روشی که دارید وفادار بمانید.